



«بیبدن» تجربه‌ای دیگر در سینمای ایران برای به تصویر کشیدن فیلمی بر اساس ماجرای واقعی است

چشمان منتظر مادر

حمید همایون

یکی از فیلم‌های پر سروصداي جشنواره فجر سال گذشته «بیبدن» ساخته مر تضي عليزاده بود که پيش از اينکه با پيش به جشنواره برسد، جنجال‌هايش شروع شد. اين فيلم در بخش «نگاه نو» جشنواره که مختص فيلم اولي هاست پذيرفته و جرقه نخستين جنجال از همين جا زده شد. دست‌اندر کاران فيلم معتقد بودند که جای فیلم‌شان در بخش «سودای سیمیرغ» است، نه بخش تازه‌ها؛ خصوصا که با شروع جشنواره معلوم شد کیفیت بخشی از فیلم‌های «سودای سیمیرغ» آنقدر نازل است که نبود «بیبدن» در این بخش به یکی از ضعف‌های جشنواره و هیأت انتخاب تعبیر شد. جنجال بعدی با انتشار گزارش‌هایی درباره مضمون این فیلم کلید خورد. هنوز فیلم تدوینش تمام نشده بود و کسی از داستان و مضمون آن خبر نداشت که برخی رسانه‌ها در برابر آن موضع گرفتند و از مسئولان خواستار توقف روند تولید این فیلم شدند. ظاهرا این رسانه‌ها از اینکه جریان در سینما راه افتاده که پرونده‌های جنایی واقعی را دستمایه کار خود قرار می‌دهد، ناراضی بودند و این وضع را ضربه به اقتدار دستگاه قضا می‌دانستند. اینکه این رسانه‌ها با چه تحلیل و چه دیدگاهی به این نتیجه رسیده بودند، بسیار قابل تأمل است، اما به هر حال حتی فیلم‌هایی که برای سال‌های طولانی در محاق توقیف مانده‌اند، اول ساخته شده‌اند و بعد به اصطلاح رسیدند به تأدیپ و تنبیه. فیلم نساخته و تمام‌نشده را با چه توجیهی می‌شود زیر سؤال برد و برای آن ضرر و زیان مضمور شد؟ خلاصه بعد از نخستین نمایش فیلم در جشنواره که معلوم شد داستان فیلم چیست و چه نگاهی به روند یک پرونده جنایی از ابتدا تا فرجام دارد، دیگر صدای اعتراضی از جایی به گوش نرسید. حاشیه بعدی فیلم که خیلی زود، پیش از اینکه به جنجال تبدیل شود، جمع و جور شد، به اظهار نظر خانواده عزاله شکور بر می‌گشت که بعد از نمایش فیلم در جشنواره اعلام کردند قصد شکایت از سازندگان فیلم به دلیل ورود به حریم خصوصی زندگی‌شان را دارند که بعدا هم دیگر خبری در این باره منتشر نشد و احتمالا برداشت مثبتی که فیلم از پدر و مادر دختر مقتول ارائه می‌دهد، در اینکه دنباله ماجرا را انگیز ند مؤثر بود. البته مر تضي عليزاده، کارگردان فیلم، بارها در گفت‌وگو با رسانه‌ها اعلام کرد که این فیلم بر اساس پرونده مشهور «عزاله و آرمان» نیست و ترکیبی از چند پرونده مشابه است. با این حال شباهت میان خط اصلی داستان فیلم و پرونده عزاله و آرمان بیشتر از آن است که بتوان منکر آن شد. فیلم از ۲۳ اسفند به عنوان یکی از ۷ فیلم نوروزی روی برده رفته و دومین فیلم موفق انران نوروزی شده.

فیلم ایرانی

نخه بصری اخبار حوادث

«بیبدن» درامی اجتماعی است، نه درامی جنایی یا قضایی. چیزی که در کانون روایی فیلم قرار گرفته نه رازها و معماهای یک پرونده جنایی است و نه روند تحقیقات. فیلم خیلی سریع تکلیفش را با مخاطب روشن می‌کند که نمی‌خواهد روند کشف حقیقت را محور داستانش قرار دهد یا حول پیدا کردن قاتل و ارائه ادله و شواهد و رد آنها دور بزند. در همان چند دقیقه نخست فیلم معلوم می‌شود قاتل کیست و چه بلایی سر دختر آمده هر چند نه انگیزه قاتل و نه چگونگی قتل توضیح داده نمی‌شود و همین نشان می‌دهد که فیلم به‌رغم ادعای سازندگان که بر مبنای پرونده‌ای خاص ساخته نشده، بسیار روی ذهنیت تماشاگر از پرونده عزاله و آرمان حساب کرده که از نظر روایی خود را ملزم به مطلع کردن تماشاگر از جزئیات قتل نمی‌داند. قاتل پسر جوانی است و دختری که دوستش بوده، مقتول.

تا زمان مشخص شدن قاتل همه چیز به سرعت اتفاق می‌افتد؛ آنقدر سریع که تماشاگر با اینکه با شخصیت‌ها آشنا شده و از کلیت داستان سر درآورده، اما جریان پرشتاب حوادث اجازه نزدیک‌شدن به شخصیت‌ها را به او نمی‌دهد. از اینجا به بعد روایت پیش نمی‌رود، تعدد در جا می‌زند، به تکرار می‌افتد، دست به دامن کلیشه‌ها می‌شود، تحریک عاطفی تماشاگر را به سیر دراماتیک ترجیح می‌دهد و مدام سعی می‌کند تماشاگر را از طریق رسانه‌ها در امور سمت‌وسوی خانواده مقتول نزدیک و نزدیک‌تر کند. در این استراتژی احساسی طبعاً نیاز است یکی از طرفین نماینده شر و طرف دیگر نماینده خیر باشد تا قطب‌نمای احساسی تماشاگر راحت‌تر طرف خیر را نشان دهد. بر اساس چنین نگاهی است که پدر مقتول، در چرخشی ناگهانی، از جایی به بعد در نقش بدن ظاهر می‌شود و حتی از پسرش که مرتکب قتل شده، شرور تر نمایانده می‌شود. طبعاً مادر مقتول که هم دخترش را از دست داده، هم سینما می‌بیند.



فیلم ایرانی

● ویژه‌نامه ۲۴
● ۸ اردیبهشت ۱۴۰۳
● شماره ۱۶



نظر تماشاگران

طبق روال این صفحه، گزیده‌ای از نظرات تماشاگران را هم از وب‌سایت سینما تیکت گرد آوردم. مثل همیشه صرفاً غلط‌های املایی و نشانه‌گذاری‌ها را اصلاح کردیم. بعد از مدت‌ها به فیلم‌عالی با بازی سوپرستارها دیدم. لذت بردم.

بسیار عالی با بازی سوپرستار سینمای ایران الناز شاکر دوست... فوق‌العاده احساسی و زیبا.

بهترین فیلم با بهترین مضمون، مخصوص جوان‌ها که حتما باید ببینند. بازی‌ها بسیار باورپذیر و جذاب که واقعا چندجا موفق به در آوردن اشک بیننده شد. ترکیب شاکر دوست و صحت ترکیب جنایی نبود و شاید هم آقای صحت ننوخته بودن بار احساسی نقش رو درست منتقل کنه. تشکر از زحمات کارگردان و بازیگران خوب فیلم مثل خانم شاکر دوست و آقای پور فرج.

فیلم خوبی بود ولی سروش صحت برای پدر ارغوان زیادی آروم بود و بعضی موضوع‌ها رو وسط فیلم رها کرده بودند.

فیلمی پر محتوا و آموزنده برای همه خانواده‌ها و نسل جوان امروز که با نقش آفرینی فوق‌العاده آقای پژمان جمشیدی زیبایی فیلم چندین برابر شد. (پیشنهاد می‌شه)

بعد از مدت‌ها یک فیلم غیر کم‌دی نگاه کردم و در عین تلخ بودن فیلم، حسایی لذت بردم و به فکر فرو رفتم. بازی الناز شاکر دوست خیلی خوب بود. به شدت به پدر و مادرها پیشنهاد می‌کنم.

اگر از بازی بی‌روح سروش صحت و ضعف‌های داستانی فیلمنامه بگذریم (مگه می‌شه پرونده با چنین ضعف‌هایی بره دادگاه؟ صحنه جرم بازسازی نشده، وسط دادگاه به دفعه می‌کن نتیجه آزمایش خون اومد. بگذریم)، فیلم خوب با ایده قشنگیه.

به خورده بازی الناز شاکر دوست بد نیست ولی بقیه افتضاح هستن. می‌شد با این موضوع فیلمنامه جذاب‌تر و با ریتم تندتر نوشت. کارگردانی خیلی ضعیف. ارزش یک‌بار دیدن رو داره.

به فیلم کسل‌کننده و خواب‌آور به‌خصوص آخرهای فیلم با بازی‌های بسیار بد، به‌خصوص خانم الناز شاکر دوست. در کل حیف وقت که برای دیدن این فیلم بگذارید.

اوتوپور که باید و شاید ملتهب و هیجانی و کوبنده نبود. تصویر بازیگران نبود. کارگردانی ضعیف بوده یا شاید هم فیلمنامه. از «ابیش شمی‌دم» موضوع فیلم و احساسات بد نیست خداییش ولی توقعم بالاتر بود.

به نظرم فیلمی بسیار پر محتوا و مفید بود اما نقش بازی‌س خیلی هندی بود. ولی در کل برای هر پدر و مادری ارزش حداقل به بار دیدن رو داره و توصیه می‌کنم حتما ببینید.

دغدغه فیلم قابل احترامه، اما متأسفانه در اجرا به‌سری ضعف‌های متعدد می‌بینیم. بنده اسپویل نمی‌کنم، اما می‌شه فهمید که فیلم قصد داره یکی از کاراکترها رو منظور جلوه بده، در حالی که بعدا سعی در مظلوم جلوه‌دادنش داره. همین عدم ثبات در فیلمنامه در نتیجه‌گیری پایانی هم تأثیر شو می‌دازه.

نتیجه‌گیری:

۱ رویکرد ملودراماتیک فیلم را چه آنها که دوستش داشتند و چه آنها که نداشتند، دریافته‌اند؛ حجم بالای موسیقی، بازی‌های اورکت، وفور لحظات احساسی و تزئین هیجان به فیلمنامه‌نه از طریق پیرنگ که با اتفاقات و حوادث ناگهانی مجموعه‌ای از رویکرد ملودرام وطنی در قبال سوژه است.

۲

فیلم جـدی و غیر کمـدی بـرای تماشاگران مترادف با پیام و آموزش و درس‌گرفتن است. ذهنیتی رسوب‌کرده از دهه ۱۳۶۰ که در آن برهه در سینما بسیار رواج داشت و در دهه‌های بعدی هم از طریق تلویزیون و فیلم‌های عموماً منتسب به جریان معناگر ادامه یافت.

۳

بازی‌ها و انتخاب بازیگران به دل برخی از تماشاگران نشسته. سینمای ایران با بحران بازیگر روبه‌رو است و در سال‌های بعد بیشتر از این مشکل ضربه خواهد خورد.

حرف‌های کارگردان «بیبدن»

م تفاوت از نحوه های آم یکایی و کره ای

● ما دوستی دورادور ۷-۸ ساله‌ای با آقای دانشی داشتیم. من فیلم کوتاه «خوانا بنویسید» را که ساخته بودم، بردم و به آقای دانشی نشان دادم و او خیلی خوشش آمد. خوانا بنویسید، قضایی داشت که هم به من نزدیک بود و هم به آقای دانشی. منظوم فضای تصویری و فضای روایتی‌اش است. حس کر دیم می‌توانیم با هم کار کنیم. من فیلم «علف‌زار» ایشان را دیده بودم و دوستش داشتم و حس می‌کردم می‌توانم با آقای دانشی همکاری کنم. سسر چند تا ایده با هم صحبت کردیم. چند تا ایده من داشتم، چند تا ایده ایشان داشت و در نهایت روی ایده «بیبدن» به توافق رسیدیم و شروع کردیم به تحقیق. از همان اول هم می‌دانستیم که می‌خواهیم یک درام جنایی بسازیم که در زمینه‌ای اجتماعی قصه‌اش را تعریف می‌کنم. با هم‌فکر شروع به تحقیق کردیم و به داسراهای جنایی مختلف در تهران و کرج و شهرهای دیگر رفتیم. یک پژوهش خیلی خوب میدانی درباره پرونده‌های مختلف جنایی انجام دادیم که مختومه شده یا هنوز مفتوحه است و جلسات دادگاه‌شان در حال برگزاری است. در این رفت‌وآمدها، ۵-۴ ماه طول کشید که طرح «بیبدن» را با هم کامل کردیم و در نهایت فیلمنامه را آقای دانشی تکمیل کرد و فرستادیم برای شورای پروانه ساخت. هر چه هم این همکاری جلوتر رفت، دیدیم نقاط اشتراک زیادی داریم، چه از لحاظ قصه‌گویی و چه از لحاظ دیدمان به وقایع جنایی.

